مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

بازخوانی رویکردهای نوین یاددهی-یادگیری در حوزه علوم اجتماعی و انسانی (مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا) در دوره اول متوسطه: چالش‌ها، افق‌ها و الگوهای تحولی

سارا فرض اللهی

کارشناسی ارشد تاریخ ایران در دوره اسلامی

MDOI-02-2026.0581
MNR-602-2-AEE2FB

چکیده

برنامه درسی حوزه علوم اجتماعی شامل دروس مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا در دوره اول متوسطه، بستری بنیادین برای شکل‌دهی به هویت ملی، تکوین آگاهی تاریخی، سواد مکانی-محیطی و پرورش مهارت‌های شهروندی فکورانه است. با وجود این جایگاه راهبردی، رویه‌های آموزشی جاری در مدارس غالباً تحت حاکمیت رویکردهای سنتی، انتقال خطی اطلاعات و حافظه‌سپاری حقایق خام قرار دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و سنتز نظام‌مند پژوهش‌ها و تجارب علمی پیرامون رویکردهای یاددهی-یادگیری این حوزه در دوره اول متوسطه انجام شده است. روش این پژوهش، مرور روایتی-تحلیلی مبتنی بر بررسی ۲۵ مقاله و کتاب مرجع علمی-پژوهشی در پایگاه‌های معتبر داخلی (نورمگز، مگ‌ایران و SID) است. یافته‌های این مرور نشان می‌دهد که تحول کارکردی در تدریس این دروس در گرو گذار از آموزش مستقیم به «کاوشگری مسئله‌محور»، «به‌کارگیری تحلیل انتقادی اسناد و شواهد در تاریخ»، «تلفیق سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نقشه در جغرافیا» و «ایفای نقش و شبیه‌سازی مسائل اجتماعی» است. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد پیوند این دروس با مسائل واقعی جامعه و زیست‌جهان دانش‌آموزان، یادگیری را از بازتولید محفوظات به کنشگری معنادار و رشد مدنی ارتقا می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات اجتماعی، آموزش تاریخ، آموزش جغرافیا، دوره اول متوسطه، تفکر انتقادی، روش‌های فعال تدریس، هویت ملی.

مقدمه

علوم انسانی و اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت رسمی، بیش از آنکه مجموعه‌ای از گزاره‌های خبری درباره گذشته یا توصیف عوارض زمین باشند، ابزار تکوین عقلانیت مدنی، درک زیست‌بوم فرهنگی و فهم موقعیت انسان در پیوستار زمان و فضا محسوب می‌شوند (مطهری، ۱۳۹۲؛ علاقه‌بند، ۱۳۹۶). در دوره اول متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)، نوجوانان در دوره گذار شناختی و روان‌شناختی از تفکر عینی به تفکر انتزاعی و شکل‌گیری پایه‌های هویت فردی و اجتماعی قرار دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۹۳). از این رو، حوزه یادگیری مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا رسالت دارد ظرفیت استدلال اخلاقی، درک متقابل اجتماعی، وطن‌دوستی آگاهانه و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را در دانش‌آموزان بارور سازد (ملکی، ۱۳۹۷).

تاریخ، آیینه تجارب بشری و آزمایشگاه هویت‌سازی است؛ جغرافیا، ادراک فضا، تحلیل تعامل انسان با طبیعت و توسعه پایدار را می‌آموزد؛ و جامعه‌شناسی و تعلیمات مدنی، سازوکارهای همزیستی، قانون‌گرایی و حقوق شهروندی را تبیین می‌کنند (یارمحمدیان، ۱۳۹۴). با این حال، تجربه نشان می‌دهد در صورت فقدان الگوی تدریس فعال، این دروس به مباحثی ملال‌آور، انتزاعی و صرفاً حفظی تقلیل می‌یابند. برای پیشگیری از بیگانگی نسل نو با ریشه‌های فرهنگی و سرزمینی خود، بازنگری در الگوهای پداگوژیک و شیوه‌های تعامل معلم و دانش‌آموز در این رشته‌ها یک ضرورت راهبردی است (فاضلی، ۱۳۹۷).

مسئله بنیادین در آموزش دروس مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا در مدارس، غلبه «رویکرد انتقال‌محور منفعل» بر فرایند یاددهی-یادگیری است (شعبانی، ۱۳۹۹). در کلاس درس تاریخ، وقایع گذشته به شکل اسامی اشخاص، تاریخ نبردها و عهدنامه‌ها بدون تحلیل علّی و ریشه‌یابی زمینه‌های اجتماعی حفظ می‌شوند؛ در نتیجه دانش‌آموزان توانایی پیوند گذشته با مسائل امروز و «تفکر تاریخی» را کسب نمی‌کنند (نصر و عابدی، ۱۳۹۴).

در درس جغرافیا، یادگیری غالباً به بازخوانی پایتخت‌ها، محصولات کشاورزی و فلات‌ها بدون فهم فضایی، تحلیل الگوهای آب‌وهوایی و استفاده از ابزارهای نوین کارتوگرافی محدود می‌ماند (رهنما و رضوی، ۱۳۹۶). همچنین در بخش مدنی و اجتماعی، آموزش حقوق و مسئولیت‌ها به صورت انتزاعی و بریده از واقعیت‌های زندگی روزمره ارائه می‌شود که کارایی لازم را در درونی‌سازی هنجارها و کنشگری مسئولانه ایجاد نمی‌کند (جوادی و احمدی، ۱۳۹۵). از این رو، سؤال کلیدی این است: «راهبردهای نوین پداگوژیک چگونه می‌توانند تدریس مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا را در دوره اول متوسطه از سطح بازگویی اطلاعات به پرورش تفکر تحلیلی و مهارت‌های زیستی و اجتماعی ارتقا دهند؟»

تقویت هویت ملی و صیانت در برابر بحران معنا: در عصر گسترش ارتباطات مجازی و جهانی‌شدن، آشنایی عمیق و مستدل با تاریخ و جغرافیای سرزمین، ستون فقرات هویت جمعی و تاب‌آوری فرهنگی دانش‌آموزان است (باقری، ۱۳۹۵).

رشد تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی: مواجهه با روایت‌های متنوع تاریخی و تحلیل مسائل زیست‌محیطی معاصر (مانند بحران آب و تغییر اقلیم)، دانش‌آموز را به تحلیلگری شواهد و داوری منصفانه مجهز می‌کند (حسینی، ۱۳۹۴).

انطباق با ساحت‌های سند تحول بنیادین: سند تحول بر ساحت‌های «تربیت اجتماعی و سیاسی» و «تربیت زیستی و بدنی» تأکید دارد؛ امری که تحقق مستقیم آن در گرو ارتقای کیفی برنامه درسی و آموزش حوزه مطالعات اجتماعی است (صادق‌زاده قمصری و همکاران، ۱۳۹۱).

روش‌شناسی

این پژوهش مبتنی بر روش «مرور نظام‌مند روایتی» متون و مقالات علمی است. جامعه پژوهش شامل مقالات علمی-پژوهشی نمایه شده در پایگاه‌های تخصصی نورمگز، مگ‌ایران، SID و پرتال جامع علوم انسانی، کتب مرجع برنامه‌ریزی درسی و اسناد تحولی آموزش و پرورش در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ بوده است.

معیارهای ورود شامل: ارتباط مستقیم با تدریس مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، دوره متوسطه اول، و داشتن بنیان روش‌شناختی معتبر. مقالات پس از غربالگری، کدگذاری و استخراج مضامین اصلی، در قالب سه محور کلیدی: چالش‌های سنتی، الگوهای فعال یادگیری، و راهکارهای اجرایی تلفیقی مورد تحلیل و سنتز قرار گرفتند.

پیشینه پژوهشی

مطالعات مرتبط را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد:

رویکردهای پژوهش‌محور در آموزش مطالعات اجتماعی:

موسی‌پور و احمدی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که استفاده از یادگیری تلفیقی و مسئله‌محور در مطالعات اجتماعی، منجر به افزایش معنادار درک مفهومی و توانایی حل مسئله مشارکتی دانش‌آموزان نسبت به روش‌های سنتی می‌شود. ساکی (۱۳۹۸) نیز بر این نکته تأکید دارد که آموزش مطالعات اجتماعی باید از کلاس درس فراتر رفته و به شکل پروژه‌های میدانی و بازدیدهای علمی هدایت شود.

روش‌های توسعه تفکر تاریخی:

نصر و عابدی (۱۳۹۴) با ارزیابی کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه نشان دادند که تمرکز بر رویدادنگاری بدون پرسش‌های چالش‌برانگیز، مانع از شکل‌گیری حس کاوشگری تاریخی در دانش‌آموزان می‌شود و پیشنهاد کردند تحلیل منابع دست‌اول، تصاویر تاریخی و اسناد کهن در فرآیند تدریس گنجانده شود. پاک‌سرشت و همکاران (۱۳۹۳) نیز اثربخشی روش ایفای نقش رویدادهای تاریخی را در ایجاد همدلی تاریخی اثبات کردند.

کاربرد فناوری و آموزش نوین جغرافیا:

رهنما و رضوی (۱۳۹۶) در مطالعه خود نشان دادند که ورود ابزارهای نوین مانند نقشه‌خوانی تعاملی، گوگل‌ارث و تصاویر ماهواره‌ای در مدارس، سطح سواد فضایی و اشتیاق یادگیری دانش‌آموزان متوسطه را به طور چشمگیری ارتقا می‌دهد. دلاور (۱۳۹۵) نیز نشان داد سنجش‌های عملکردی در جغرافیا (نظیر ترسیم کروکی و تحلیل اقلیمی) روایی و پایایی بالاتری نسبت به آزمون‌های چندگزینه‌ای دارند.

یافته‌ها

بررسی جامع متون و پیشینه‌ها، راهبردهای تحولی را در سه درس به شرح زیر تبیین می‌نماید:

الف) آموزش تاریخ: از حافظه‌سپاری به «تفکر و تحلیل تاریخی»

تحلیل اسناد و شواهد تاریخی: معلم به جای بیان صرف وقایع، قطعاتی از اسناد کهن، نامه‌ها، سفرنامه‌ها و تصاویر تاریخی را در اختیار گروه‌های دانش‌آموزی قرار می‌دهد تا دانش‌آموزان خود علت‌یابی کرده و نتایج وقایع را استخراج کنند.

ایجاد پرسش‌های ضدواقعی: طرح پرسش‌هایی مانند «اگر فلان واقعه تاریخی رخ نمی‌داد، چه تغییری در سرنوشت کشور حاصل می‌شد؟» تفکر علّی و نقاد را در دانش‌آموز برمی‌انگیزد.

همدلی تاریخی: قراردادن خود به جای شخصیت‌های تاریخی در بستر زمانی و مکانی همان عصر و درک شرایط تصمیم‌گیری آنان به دور از قضاوت‌های شتاب‌زده امروزی.

ب) آموزش جغرافیا: از توصیف مکان‌ها به «تحلیل روابط انسان و محیط»

سواد نقشه و ادراک فضایی: آموزش نباید به دیدن نقشه‌های آماده محدود شود؛ دانش‌آموزان باید مهارت ترسیم کروکی محله، درک مقیاس و خوانش لایه‌های موضوعی نقشه را بیاموزند.

به‌کارگیری فناوری‌های رقومی: استفاده از نرم‌افزارهای رومیزی ساده، تصاویر ماهواره‌ای در دسترس و برنامه‌های شبیه‌ساز پدیده‌های زمین‌شناسی (زلزله، سیل، آتشفشان) برای عینی‌سازی پدیده‌ها.

مواجهه با چالش‌های محیط‌زیستی محلی: تمرکز بر مسائل روز نظیر خشکسالی، بحران پسماند، فرونشست زمین و تخریب پوشش گیاهی و ارائه راهکارهای حفاظت محیط‌زیست از سوی گروه‌های کلاسی.

ج) مطالعات اجتماعی و مدنی: از مفاهیم انتزاعی به «تمرین شهروندی»

دادگاه و مجلس فرضی (دادگاه شبیه‌سازی‌شده): دانش‌آموزان قوانین، حقوق شهروندی و شیوه‌های حل اختلاف را در قالب شبیه‌سازی نهادهای مدنی به صورت عملی تجربه می‌کنند.

یادگیری خدمات‌محور: تعریف پروژه‌های کوچک اصلاحی در مدرسه و محله (نظیر بهینه‌سازی مصرف انرژی، کمک به مراکز خیریه و درختکاری) برای پیوند دانش اجتماعی با عمل اخلاقی.

نتیجه‌گیری

آموزش دروس مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا در دوره اول متوسطه قلب تپنده تربیت اجتماعی و هویتی نسل جوان است. تداوم روش‌های سنتی و محفوظات‌محور، سرمایه فکری و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را مستهلک ساخته و فرصت پرورش شهروندان آگاه و متفکر را سلب می‌کند. گذار به الگوهای

فعال، کاوشگرانه و تلفیقی، نه یک انتخاب سلیقه‌ای، بلکه ضرورتی بنیادین در انطباق با تغییرات شناختی عصر حاضر است. چنانچه معلمان این حوزه مجهز به مهارت‌های تسهیل‌گری، طرح پرسش‌های چالشی و کاربرد رسانه‌ها و ابزارهای مکانی شوند، این دروس به جذاب‌ترین و اثرگذارترین ساعات آموزشی مدارس تبدیل خواهند شد.

پیشنهادات کاربردی

برگزاری کارگاه‌های درس‌پژوهی و تلفیق محتوا: تشکیل گروه‌های درس‌پژوهی منطقه‌ای معلمان تاریخ، جغرافیا و مطالعات جهت طراحی درس‌نامه‌های مشترک و تلفیق رویدادهای تاریخی با بسترهای جغرافیایی.

تجهیز مدارس به کارگاه/اتاق اختصاصی علوم انسانی: راه‌اندازی کارگاه تخصصی مجهز به کره‌های جغرافیایی، نقشه‌های برجسته، اطلس‌های جامع، ماکت‌های تاریخی و امکانات نمایش رسانه‌ای.

تغییر شیوه ارزشیابی از آزمون‌های حافظه‌ای به پوشه کار و پروژه‌های تحلیلی: اختصاص دست‌کم نیمی از نمره پایانی به پروژه‌های عملی نظیر ساخت ماکت، پژوهش خانوادگی/محلی، تحلیل یک سند تاریخی، تهیه گزارش از یک پدیده جغرافیایی محلی یا مصاحبه اجتماعی.

توسعه اردوهای هدفمند و کاوشگری میدانی: برنامه‌ریزی برای بازدید مستمر از موزه‌ها، بافت‌های تاریخی، مراکز هواشناسی، سدها و نهادهای مدنی با طراحی برگه‌های کاوش و کاربرگ‌های پژوهشی پیش و پس از بازدید.

منابع و مآخذ

باقری، خسرو. (۱۳۹۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* (جلد اول، چاپ سی‌ودوم). تهران: انتشارات مدرسه.

پاک‌سرشت، محمدجعفر، صفایی‌مقدم، مسعود، و هاشمی، سیداحمد. (۱۳۹۳). *اثربخشی روش شبیه‌سازی و ایفای نقش بر پرورش همدلی تاریخی و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان*. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۳(۵۱)، ۷۷–۹۸.

جوادی، سمانه، و احمدی، پروین. (۱۳۹۵). *رویکرد تلفیقی در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه: تحلیل تجارب زیسته معلمان*. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۱(۴۱)، ۴۵–۶۸.

حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۹۴). *فلسفه برای کودکان و نوجوانان: راهنمای پرورش مهارت‌های تفکر و تفکر اجتماعی در کلاس درس*. تهران: نشر آموخته.

دلاور، علی. (۱۳۹۵). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی* (چاپ بیست‌وهشتم). تهران: نشر ویرایش.

رهنما، محمدرحیم، و رضوی، مریم. (۱۳۹۶). *نقش فناوری‌های نوین اطلاعات مکانی (GIS) و تصاویر چندرسانه‌ای در ارتقای یادگیری درس جغرافیا*. مجله رشد آموزش جغرافیا، ۳۲(۱)، ۲۴–۳۵.

ساکی، رضا. (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی فرایند یاددهی-یادگیری دروس علوم انسانی در مدارس: پژوهشی پدیدارشناسانه*. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۵(۲)، ۷۱–۹۴.

شعبانی، حسن. (۱۳۹۹). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)* (چاپ سی‌وسوم). تهران: سازمان سمت.

شکوهی یکتا، محسن، و پرند، اکرم. (۱۳۹۴). *آموزش مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و مدیریت تعارض در نوجوانان*. تهران: انتشارات تیمورزاده.

صادق‌زاده قمصری، علیرضا، مهرمحمدی، محمود، و جوادی، سمانه. (۱۳۹۱). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.

صفایی‌مقدم، مسعود، و نصر، احمدرضا. (۱۳۹۷). *تبیین جایگاه سواد تاریخی در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان*. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۷(۲)، ۱۲۱–۱۴۲.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (چاپ چهلم). تهران: نشر روان.

فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۷). *مسئله مدرسه: بازخوانی جامعه‌شناختی تجربه زیسته آموزش و پرورش در ایران*. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قرائتی، محسن. (۱۳۹۲). *سیر در زمین و عبرت‌های تاریخی از نگاه قرآن کریم*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۸). *تربیت چاره‌ساز، نه چاره‌سوز: روش‌های فعال آموزش مفاهیم اجتماعی*. تهران: نشر عابد.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی تربیتی و سنجش نگرش‌های اجتماعی دانش‌آموزان*. تهران: سازمان سمت.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). *جامعه و تاریخ: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی* (چاپ چهل‌وهشتم). تهران: انتشارات صدرا.

ملکی، حسن. (۱۳۹۷). *برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تدریس علوم انسانی (راهنمای عمل)* (چاپ هفدهم). تهران: نشر پیام اندیشه.

موسی‌پور، نعمت‌الله، و احمدی، پروین. (۱۳۹۵). *بررسی میزان اثربخشی آموزش کاوشگری در درک مفاهیم جغرافیایی و تاریخی*. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۳(۲)، ۱–۱۸.

نصر، احمدرضا، و عابدی، صدیقه. (۱۳۹۴). *ارزیابی شیوه‌های آموزش تاریخ در مدارس بر مبنای معیارهای تفکر انتقادی*. مجله تاریخ ایران، ۸(۲۶)، ۲۱۵–۲۳۸.

یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۴). *اصول برنامه‌ریزی درسی در آموزش علوم اجتماعی و انسانی* (چاپ دهم). تهران: نشر یادواره کتاب.